

## «حلقات»

# درس 4

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای طیبی

## مقدمه

در درس‌های گذشته مطالبی پیرامون احکام و شرایط دلیل مجمل و دلیل نص ارائه شد و درباره حجیت قسم سوم از دلیل شرعی یعنی دلیل ظاهر نیز دو دلیل ذکر گردید . در این درس برای اثبات حجیت ظواهر، از یک دسته اخبار متواتر قطعی الصدور استفاده می‌شود و اشکالاتی پیرامون این استدلال و نیز استدلال به سیره متشرعه مطرح خواهد شد . این درس نیز گامی دیگر برای اثبات حجیت عمده‌ترین نوع از دلایل شرعی است، چون اکثر ادله موجود در شریعت دلیل ظاهر هستند.

مرور اجمالی بحث کشف سکوت معصومین از امضاء و تأیید ایشان در حلقه ثانیه، در یادگیری این درس مؤثر خواهد بود.

## متن درس

الوجه الثالث: التمسك بما دل على لزوم التمسك بالكتاب و السنة، و العمل بهما بتقريب ان العمل بظاهر الآية،

أو الحديث مصداق عرفاً لما هو المأمور به في تلك الأدلة فيكون واجباً، و مرجع هذا الوجوب إلى الحجية.

و بين هذه الوجوه فوارق. فالوجه الثالث مثلاً بحاجة إلى تمامية دليل

على حجية الظهور، و لو في الجملة دونهما لأن مرجعه إلى الاستدلال بظهور الأحاديث الآمرة بالتمسك و

إطلاقها، فلا بد من فرض حجية هذا الظهور في الرتبة السابقة.

كما ان الوجهين الأولين يجب ان لا يدخل في تتميمهما التمسك بظهور حال المولى لإثبات الإمضاء، لأن الكلام

الآن في حجيته، كما أشرنا إلى ذلك في الحلقة السابقة.

و قد يلاحظ على الوجه الأول ان سيرة المتشريعة و ان كان من الم علوم انعقادها في أيام النبي صلى الله عليه و

آله و الأئمة على العمل بظواهر الدليل الشرعي، و لكن الشواهد التاريخية انما تثبت ذلك على سبيل الإجمال و

لا يمكن التأكد من استقرار سيرتهم على العمل بالظواهر في جميع الموارد، فهناك حالات تكون حجية الظهور

أخفى من غيرها كحالة احتمال اتصال الظهور بقريظة متصلة فقد بنى المشهور على حجية الظهور في هذه الحالة

خلافاً لما اخترناه في حلقة سابقة.

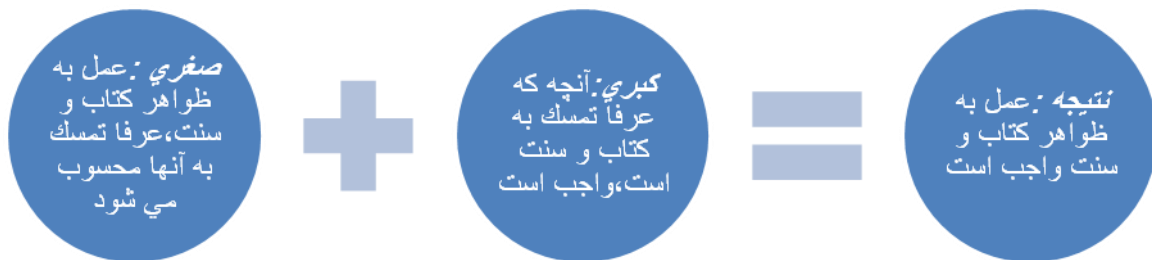
## دلیل سوم حجیت ظواهر

یادآوری : در درس گذشته دو دلیل از ادله حجیت ظواهر (سیره متشرعه و سیره عقلانی) مطرح شد.

بیان دلیل سوم : دلیل سوم بر حجیت ظواهر، دسته‌ای از اخبار متواتر و قطعی هستند که دستور اکید بر تمسک به کتاب و سنت می‌دهند.

مثال : حدیث شریف ثقلین «إِنِّي تَارِكٌ فِیْكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترتی اهل بیتی، ما إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تُضِلُّوا بَعْدَیْ أَبَدًا». این روایت تواتر لفظی دارد و حتی الفاظش نیز متواتر است.

چگونگی استدلال به این روایات را می‌توان در قالب یک قیاس منطقی بیان کرد:



## نکاتی درباره این استدلال :

1. یکی از مصادیق عرفی تمسک به کتاب و سنت ، عمل به ظواهر آنهاست ، به این دلیل که عرف در جواب سؤال از چگونگی تمسک به کلام متکلم، می‌گویند که عمل به ظواهر کلام،

مصدق تمسک به آن است؛ از این رو یکی از راه‌های تمسک به کتاب و سنت، عمل به ظاهر قرآن و ظاهر احادیث اهل بیت (علیهم السلام) می باشد.

2. کبری در این قیاس، مستفاد از همان روایاتی است که به ما دستور تمسک به کتاب و سنت را می ده ند.

**وجه شمولیت ظهور :** در کبری هر چه که عرفا مصداق تمسک به کتاب و سنت باشد، واجب شمرده شده است؛ بدین علت که این روایات اطلاق دارند و اطلاق آنها شامل عمل به ظواهر نیز می شوند. بنابراین مراد از تمسک به کتاب و سنت فقط در نصوص این رو نیست؛ چون هر چیزی که عرفا مصداق تمسک باشد در این اخبار واجب شمرده شده و عمل به ظواهر نیز عرفا از مصادیق تمسک است.

Sco1:5:17

### اشکال به قیاس ذکر شده

در تبیین علت کبرای قیاس گفته شد، دلیل اینکه عمل به ظواهر، مصداق تمسک به کتاب و سنت شمرده می شوند، اطلاق این دسته از روایات است و علت جعل حکم وجوب تمسک برای ظواهر نیز همین دلیل است. در حالی که اطلاق، خود از ظواهر است و وقتی می تواند حکم وجوب تمسک را برای ظواهر اثبات کند که خود این ظاهر (اطلاق) قبل از اثبات حجیت برای ظواهر، حجت باشد.

از این جهت دور پیش می آید؛ چون بر اساس یک ظاهر (اطلاق)، اثبات حجیت ظاهر می شود.

### جواب اشکال به قیاس مذکور

در جواب باید بگوییم، این مقدار از اشکال مورد قبول است و ابتدا باید ظهور اطلاقى حجت باشد تا بتوان به اطلاق کلام متکلم تمسک کرد. در حقیقت قبل از بیان این استدلال باید ظهور اطلاقى را - خصوصاً در مواردی که هیچ احتمال تقییدی وجود نداشته باشد - بپذیریم؛ چون در این موارد یقیناً ظاهر، حجت است. بعد از پذیرش این مطلب است که می توانیم قیاس ذکر شده را برای اثبات تعمیم حجیت ظواهر استفاده کنیم و اثبات کنیم که ظاهر در همه جا (نه فقط در خصوص موارد اطلاق) حجت است.

**ثمره دلیل سوم:** استفاده از این قیاس برای اثبات اصل حجیت ظواهر صحیح نیست، ولی می توان با این قیاس تعمیم حجیت ظواهر را اثبات کرد.

### **نکته ای درباره دلیل های اول و دوم (سیره شرعیه و عقلائیه)**

**یادآوری:** در حلقه ثانیه ذکر شد برای کشف امضاء و تائید معصومین از سکوت و عدم ردع ایشان، سه وجه وجود دارد که دو وجه آن عقلی و وجه دیگر استفاده از ظاهر حال است؛ بدین معنا ظاهر حال سکوت معصوم، کاشف از رضایت ایشان بود.

**بیان نکته:** حال اگر سیره متشرعه و سیره عقلائیه بخواهند دلیل حجیت ظواهر باشند، نباید تأیید و امضاء این دو سیره مستند به ظاهر حال معصومین باشد و از سکوت معصوم در مقابل سیره، تأیید و امضای او را به دست آورد؛ چون ظاهر حال خود نوعی ظهور است و نیاز به اثبات حجیت دارد، پس نمی تواند یکی از مقدمات اثبات حجیت ظواهر باشد. از این رو باید امضاء و تأیید شارع در این دو سیره بر اساس یکی از دو وجه عقلی باشد و به حکم عقل، سکوت معصوم را کاشف از رضایت او بدانیم.

Sco2: 18:33

### **اشکال به دلیل اول حجیت ظواهر (سیره متشرعه)**

**مدعا :** استدلال به سیره متشرعه برای حجیت ظواهر به صورت مطلق ممکن نیست. هر چند عمل متشرعه و اصحاب اهل بیت - که با استناد بر ظواهر کتاب و سنت مراد شارع را کشف می کردند - مسلم است؛ اما استدلال به این سیره، حجیت ظواهر را فی الجمله اثبات می کند، نه به طور مطلق.

**دلیل :** قدر متیقن آن است که عمل متشرعه در استناد به این ظواهر، همیشه و در همه حالات نبوده است. آنها وقتی به ظاهر یک کلام تمسک می کردند که احتمال وجود قرینه متصله محذوفه نبود و در جاهایی که وجود قرینه متصله ای محتمل بوده، عمل متشرعه به ظاهر آن کلام - با وجود این احتمال، بعید به نظر می رسد. .

**نتیجه :** اگر نتوانیم سیره متشرعه را در استعمال به ظواهر کلام به طور مطلق (حتی با احتمال وجود قرینه متصله محذوفه) اثبات کنیم، در زمان حاضر نیز نمی توانیم به ظواهر آیات و روایات تمسک کنیم؛ چون احتمال وجود قرینه متصله محذوفه (اعم از قرینه حالیه و مقالیه) در آیات و روایاتی که بفدست ما رسیده هست، وجود دارد.

**دلیل نتیجه :** چون خیلی از آیات دارای شأن نزولی بودند که یک قرینه حالیه برای کشف مراد خداوند از این آیه محسوب می شد، ولی در حال حاضر این قرائن برای ما روشن نیست. همچنین بسیاری از روایات دارای قرائن حالیه و حتی مقالیه بودند که بعد از عصر معصومین به دلایلی مثل تقطیع روایات - که برای موضوع بندی روایات آنها را قطعه قطعه کردند - حذف گردیده اند. بنابراین با احتمال وجود این قرائن متصله محذوفه ، نمی توانیم به سیره متشرعه تمسک کنیم، چون در زمان اهل بیت (علیهم السلام) و هنگام استناد متشرعه به ظاهر آیات و روایات، قرائن متصله کمتر از عبارات حذف شده بود. پس نمی توان گفت اصحاب حتی با وجود احتمال قرائن متصله محذوفه، به ظواهر کلام تمسک می کردند.

Sco3: 27:32

## چکیده

1. دلیل سوم بر حجیت ظواهر، یک دسته اخبار متواتر و قطعی الصدور است که دستور اکید بر تمسک که به کتاب و سنت داده‌اند.

2. صورت استدلال قیاسی به این روایات بدین شکل است:

**صغری:** عمل به ظواهر کتاب و سنت، عرفا تمسک به آنها محسوب می‌شود.

**کبری:** آنچه که عرفا تمسک به کتاب و سنت است، واجب است.

**نتیجه:** عمل به ظواهر کتاب و سنت واجب است.

3. یکی از مصادیق عرفی تمسک به کتاب و سنت، عمل به ظواهر آنهاست. به این دلیل که عرف در جواب سؤال از چگونگی تمسک به کلام متکلم می‌گویند عمل به ظواهر کلام، مصداق تمسک به آن است.

4. در کبری هر چه که عرفا مصداق تمسک به کتاب و سنت باشد، واجب شمرده می‌شود؛ چون این روایات اطلاق دارند و اطلاقشان شامل عمل به ظواهر هم می‌شوند.

5. اشکال به قیاس مذکور: اطلاق از ظواهر است و وقتی می‌تواند حکم وجوب تمسک را برای ظواهر اثبات کند که خودش (اطلاق) قبل از اثبات حجیت برای ظواهر، حجت باشد. از این جهت دور پیش می‌آید، چون بر اساس یک ظاهر (اطلاق)، اثبات حجیت ظاهر می‌شود.

6. در جواب اشکال باید بگوییم که اگر چه استفاده از این قیاس برای اثبات اصل حجیت ظواهر صحیح نیست، ولی می‌توان با آن تعمیم حجیت ظواهر را اثبات کرد.

7. اگر سیره متشرعه و سیره عقلائی به خواهند دلیل حجیت ظواهر باشند، نباید ت ا یید و امضاء این دو سیره مستند به ظاهر حال معصومین باشد.

8. استدلال به سیره متشرعه برای حجیت ظواهر به صورت مطلق ممکن نیست، چون قدر متیقن این است که عمل متشرعه در استناد به ظواهر، همیشه و در همه حالات نبوده است و آنها وقتی به ظاهر یک کلام تمسک می کردند که احتمال وجود قرینه متصله محذوفه نبود.

9. اگر نتوانیم سیره متشرعه را در استعمال به ظواهر کلام به طور مطلق (حتی با احتمال وجود قرینه متصله محذوفه) اثبات کنیم، در زمان حاضر نیز نمی توانیم به ظواهر آیات و روایات تمسک کنیم؛ چون احتمال وجود قرینه متصله محذوفه در آیات و روایاتی که ب ه دست ما رسیده است، وجود دارد.